

کلمه طيبه

تبليغ و مبلغ

از دیدگاه قرآن و حدیث

سلسله گفتارهای تربیتی

حجة الاسلام والمسلمين
حاج شيخ عبدالحسين بابايي

تبلیغ و مبلغ از دیدگاه قرآن و حدیث

تألیف: عبدالحسین بابایی * ناشر: نسیم انتظار ۳۲۹۲۳۶۷۲-۰۲۵ * ویرایش: دفتر فرهنگ و اندیشه، واحد خدمات کتاب * صفحه‌آرایی: محمد حسن کرمی * صفحات: ۲۴۸
صفحه * نوبت چاپ: اول * شمارگان: ۱/۰۰۰ نسخه * چاپ: ولی عصر * قطع: وزیری
* تاریخ انتشار: بهار ۱۳۹۴ * بها: ۱۲ هزار تومان *

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۵۵۳-۵۰-۲ ISBN: 978-964-8553-50-2

مرکز پخش: قم - نشر نسیم انتظار تلفن ۳۲۹۲۳۶۷۲ - ۰۲۵
خ صفاییه / ممتاز پلاک ۷۵ / تلفن ۳۷۷۴۹۱۱۴ - ۰۲۵

همه‌ی حقوق برای مؤلف محفوظ است

پدیدآورنده: بابایی، عبدالحسین، ۱۳۲۰-

عنوان: کلمه طیبه، تبلیغ و مبلغ از دیدگاه قرآن و حدیث.

تکرار نام پدیدآور: عبدالحسین بابایی.

مشخصات نشر: قم - نسیم انتظار - ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: وزیری ۲۴۸ ص

فروست: سلسله گفتارهای تربیتی؛ ۲

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۵۵۳-۵۰-۲ ISBN: 978-964-8553-50-2

بها: ۱۲ هزار تومان

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه.

موضوع: اسلام - تبلیغات

موضوع: تبلیغات - جنبه‌های قرآنی

موضوع: تبلیغات - احادیث

موضوع: اخلاق اسلامی

رده‌کنگره: ۱۳۹۳، ک ۸، ب ۲ / ۶۲ / ۱۱ BP

رده دیویی: ۲۹۷ / ۰۴۵

شماره مدرک: ۳۸۷۱۶۵۶

نمایه‌ی مطالب

سخن ناشر..... ۱۳

پیشگفتار..... ۱۹

جایگاه کلام و کلمه در قرآن..... ۲۰

عالمان دینی و موضوع تبلیغ دین..... ۲۱

هشدار از سخن سست و ناروا و تبلیغ نادرست و ناسنجیده..... ۲۲

از نعمت‌های گران خدا..... ۲۴

درآمد..... ۲۷

کار پیامبرانه..... ۲۷

فصل اول / واژه‌شناسی تبلیغ..... ۳۱

تبلیغ چیست؟..... ۳۳

فصل دوم / جایگاه تبلیغ و اهمیت آن در اسلام..... ۳۷

جایگاه تبلیغ و پیام‌رسانی دینی..... ۳۹

اهمیت تبلیغ از دیدگاه آیات..... ۴۲

الف. عظمت تبلیغ..... ۴۲

۶ / تبلیغ و مبلّغ از دیدگاه قرآن و حدیث

ب. شرافت	۴۲
ج. وجوب تبلیغ	۴۳
د. سفارش متقابل و همگانی به حق و عدالت	۴۴
هـ. کفایت خداوند	۴۵
آشنایی با فرعون و مردم روزگار او	۴۷
و. عدم تبلیغ یا نفی رسالت	۴۸
جایگاه تبلیغ در احادیث	۴۹
۱. احیای روح و جان مردم	۵۳
۲. یاری رساندن حق	۵۴
فصل سوم / ارکان تبلیغ	۵۹
ارکان کارهای عبادی	۶۱
ارکان تبلیغ و پیام‌رسانی دینی	۶۱
رکن اول یا محتوای پیام	۶۲
۱. هماهنگی با فطرت	۶۲
۲. هماهنگی با عقل	۶۲
۳. هماهنگی با احساس	۶۳
رکن دوم تبلیغ یا مبلّغ	۶۴
نقش زن در تبلیغ	۶۵
۱. بانویی عدالتخواه از یمن	۶۶
۲. نقد شجاعانه‌ی حکومت به وسیله‌ی بانویی پیام‌رسان	۶۶
۳. بانوی منطق و شهامت	۶۸
نقش زن در کربلا	۶۹
گفتار یکم / مبلّغ و جایگاه آن	۷۱
ترسیم جایگاه مبلّغ	۷۱

۷۱	۱. کار پیامبران
۷۲	الف. حضرت نوح
۷۶	ب. حضرت هود
۷۷	نخستین گروه از اندرزگویان
۷۷	۲. بهترین دعوت‌کننده به دین
۷۸	۳. جانشین خدا
۷۸	۴. جانشین رسول خدا
۷۹	۵. نجات انسانها
۸۰	۶. برتری از هزار عابد
۸۰	۷. رسالتی بزرگ
۸۲	۱. منطق درست و سنجیده
۸۲	۲. اخلاق نیکو و دلپذیر
۸۳	۳. احساس
۸۳	مسئولیت انسان در برابر گفتار و کردار خویش
۸۵	۸. حقوق متقابل
۸۷	گفتار دوم / رسالت مبلّغ
۸۹	اشاره‌ای به رسالت مبلّغ
۸۹	۱. دعوت به فطرت
۹۱	۲. خارج ساختن مردم از تاریکی‌ها به سوی نور
۹۳	۳. دعوت به غیب
۹۳	۴. دعوت به توحید
۹۵	۵. دعوت به ایمان به رسالت پیامبران
۹۷	۶. دعوت به معاد و روز رستاخیز
۹۹	۷. دعوت به مهر و محبت و برادری
۱۰۰	۸. دعوت به تقوا و پاکی

۸/ تبلیغ و مبلغ از دیدگاه قرآن و حدیث

۹. دعوت به اخلاق	۱۰۱
۱۰. دعوت به کارهای خوب	۱۰۲
۱۱. دعوت به محبت خدا	۱۰۳
۱۲. یادآوری روزهای خدایی یا آیات الله	۱۰۴
۱۳. دعوت به تعلیم و تزکیه	۱۰۴
۱۴. بشارت و انداز	۱۰۶
۱۵. مبارزه با بدعت‌ها	۱۰۶
گفتار سوم/ ویژگی‌های فردی مبلغ	۱۰۹
۱. توان علمی و قدرت تحلیلی	۱۰۹
۱/۱. تفقه در دین	۱۱۰
۱/۲. احاطه‌ی به متون دینی	۱۱۰
۲. رفتارهای پسندیده در عرصه‌ی عمل	۱۱۲
۲/۱. دعوت با عمل پیش از بیان	۱۱۲
۲/۲. تطابق و هماهنگی زبان و قلب	۱۱۳
۲/۳. همنشینی با خوبان	۱۱۴
آثار عمل مبلغ	۱۱۴
۳. سلوک اخلاقی مبلغ	۱۱۶
۳/۱. اخلاق سالم	۱۱۶
۳/۲. نیت خالص	۱۱۷
۳/۳. خوف از خدا	۱۱۹
۳/۴. تقوا و احساس مسئولیت	۱۲۰
۳/۵. شجاعت حق‌گویی و حق‌طلبی	۱۲۲
۳/۶. شرح صدر	۱۲۳
۳/۷. گفتار صادق و سنجیده	۱۲۴
۳/۸. صبر	۱۲۶

۱۲۸	۳/۹. استقامت
۱۲۹	۳/۱۰. زبان نصیحت و خیرخواهی
۱۳۰	۳/۱۱. رفق و مدارا
۱۳۲	۳/۱۲. ادب
۱۳۵	۳/۱۳. تواضع

۴. انگیزه‌ی مبلغ

۱۳۷	۴/۱. وظیفه‌ی دینی
۱۳۷	۴/۲. احساس مسئولیت
۱۳۸	۴/۳. خودشناسی و معرفت نسبت به خویشان
۱۳۹	۴/۴. زنده کردن یاد خدا
۱۴۰	۴/۵. رسیدن به بهشت

۶. جامعه‌شناسی مبلغ

۱۴۱	۶/۱. شناخت زمان و مکان
۱۴۴	اهل بیت امام حسین و شناخت زمان و مکان
۱۴۴	۱. امام حسین و شناخت کامل زمان و مکان
۱۴۶	الف. گذری کوتاه بر تاریخ عاشورا
۱۴۷	ب. اسارت اهلیت

گفتار نخست/ تجلی زینب در قیام عاشورا

۱۵۰	الف. شناخت زمان و مکان
۱۵۳	ب. موضوع‌شناسی و سخنرانی

برداشت کوتاهی از این خطبه‌ی روشنگر

۱۵۹	۱. جامعه‌شناسی
-----	----------------

۱۵۹	۲. پیام‌رسانی آن بانوی بزرگ
۱۶۰	۳. اندازه و چگونگی اعمال آنان
۱۶۰	۴. پیشگویی فرجام کار و سرنوشت سیاه ظالمان
۱۶۰	۵. چگونگی اعلام بیزاری از آنان
۱۶۰	۶. انسجام در گفتار
۱۶۱	خروش دوم در کاخ بیداد ابن‌زیاد
۱۶۲	برداشتی کوتاه از پاسخ آن بانوی بزرگ
۱۶۳	خروش سوم یا خطبه‌ی حضرت زینب در شام
۱۷۱	واماندگی و فرومایگی استبداد
۱۷۲	گفتار دوم / تجلی امام سجاد در قیام عاشورا
۱۷۲	الف. سخنرانی امام سجاد در کوفه
۱۷۲	امام سجاد و شناخت زمان و مکان
۱۷۴	برداشتی از خطبه‌ی امام سجاد
۱۷۴	خطبه‌ی امام سجاد در مجلس یزید
۱۷۵	علت‌ها و هدف‌های عاشورا
۱۷۷	ترجمه‌ی خطبه‌ی امام سجاد در شام
۱۸۳	رکن سوم تبلیغ یا مخاطب سخن
۱۸۳	شناخت مخاطب یا یک راز موفقیت در تبلیغ
۱۸۵	رکن چهارم یا شیوه‌ی تبلیغ
۱۸۵	۱. حضور مبلغ
۱۸۶	۲. واضح بودن کلام
۱۸۷	۳. استواری در گفتار
۱۸۷	۴. مراعات اهلیت مخاطب

۱۸۹	۵. ظرفیت مخاطب
۱۹۰	۶. نشاط مخاطب
۱۹۱	۷. مقتضای حال
۱۹۴	۸. اختصار در سخن
۱۹۴	آمختگی سخن به گوهر اخلاق

۱۹۷..... ابزار تبلیغ

۱۹۷	۱. کلام و سخن
۱۹۹	۲. موعظه و اندرز
۲۰۲	۳. گونه‌های مختلف شعر
۲۰۴	۴. سخنرانی
۲۰۵	۵. منبر

۲۰۶	منبر از منظر اندیشمندان
۲۰۷	۶. مناظره و گفتگو
۲۰۸	الف. مناظره
۲۰۸	ب. احتجاج
۲۰۹	ج. محاوره
۲۰۹	د. مجادله
۲۰۹	هـ. «مراء» یا تردیدافکنی پس از روشن شدن حق
۲۱۰	و. مکابره یا انکار حق بالجاجت و تعصب
۲۱۰	ز. مباحله
۲۱۰	خلاصه‌ای از احکام آن شیوه‌های ناپسند گفتاری

۲۱۲	۷. قلم
۲۱۳	شگفتی‌آفرین و مایه‌ی فخر و مباهات انسان

فصل چهارم / آداب تبلیغ	۲۱۵
آداب تبلیغ	۲۱۷
۱. آغاز کار با نام و یاد خدا	۲۱۷
۲. آغاز هر دعوت و سخن و اقدامی با ستایش خدا	۲۱۹
۳. ادب در گفتار	۲۲۰
۴. رعایت ترتیب	۲۲۰
۵. کوتاهی در گفتار	۲۲۲
فصل پنجم / آفات تبلیغ	۲۲۳
آفت‌های تبلیغ دین	۲۲۵
۱. گفتار بی عمل	۲۲۶
کیفر مبلغ بی عمل	۲۳۰
۲. دروغ و نارواگویی زیر نام دین	۲۳۰
۳. گفتار بدون علم	۲۳۲
۴. درخواست مزد و پاداش	۲۳۳
۵. دشوارگویی کلام و مطلب	۲۳۴
خاتمه	۲۳۵
فهرست آیات	۲۳۹
فهرست روایات	۲۴۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخن‌ناشر

واژه‌ی پراج «تبلیغ» از واژه‌هایی است که بسان بسیاری از واژه‌ها و مفاهیم پربار و پرمحتوای آسمانی و زمینی، در صحنه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و هنری و دفاعی و مذهبی، به سرنوشت دردناکی گرفتار آمده و در قالب و محتوا، تحریف شده است!^۱

«تبلیغ» و «ابلاغ» در فرهنگ واژه‌شناسان به مفهوم رساندن روشن و آشکار و بی‌ابهام پیام و سخن دیگری است، اما در فرهنگ انسان‌پرور قرآن و عترت این واژه‌ی، دارای محتوا و باروبری غنی‌تر و فراتر از رساندن پیام و سخن آمده است، چراکه این واژه در این فرهنگ اندیشه‌سار و انسان‌پرور به معنای رساندن پیام زندگی و برازندگی و آزادی و آزادگی و معنویت و اخلاق و رعایت حقوق و کرامت بشر و نجات و رستگاری و راستی و دادگری و سرفرازی و سربلندی است، و در کنارش، امکان و فرصت‌دادن به اندیشه و مقایسه و چون و چرا و پرسش و پاسخ و اقناع دل و مغز و دیده و آزادی در جهت انتخاب برتر به پژوهشگر ژرف‌نگر، و منتقد و مخالف مسالمت‌جوست؛ و به همین جهت هم این واژه در قرآن هماره به گونه‌ای آمده است که بیانگر «بلاغِ مُبِین» یا رساندن روشن و آشکار پیام جانب‌بخش خدا به مردم است، و در کنارش، هشدار است که پیام‌برش با آن جایگاه پرفراز و منش و اخلاق والا و رفتار عادلانه نیز، تنها مبلّغ و یادآورنده است و هیچ‌گونه حق سیطره و چیرگی و تحمیلی را بر مردم حق طلب و

مسالمت جو ندارد؛ «...لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ*»^۱

از آنجایی که اصل «تبلیغ» و «ابلاغ» یا ایجاد ارتباط و زمینه و شرایط گفت و شنود و فرصت آرام و منطقی پیام‌رسانی برای هر جریان فکری و فرهنگی و هر برنامه‌ی مذهبی و هر جنبش اجتماعی و سیاسی و... همواره از اهمیت ویژه و از حساسیت حیاتی برخوردار بوده، و بزرگ‌ترین نقش را در نشر و پخش پیام و گستردن دامنه‌ی آن در مزرعه‌ی دل‌ها و جامعه‌ها و پویایی و استواری پایه‌ها و مایه‌های آن و پایداری و مراقبت و نگهداری و شبهه‌زدایی از آن را دارد، به‌همین دلیل همه‌ی جریان‌های خردورز، به‌نقش این هنر سترگ و این عنصر فرهنگ‌ساز و فرهنگ‌بان توجه بسیار داشته و از آن در راه مطلوب بهره گرفته‌اند؛ چراکه فرزندان بشر، به‌درستی دریافته‌اند که رشد و شکوفایی و گسترش هر اندیشه و فرهنگ و مذهبی به‌همان تناسب گستره‌ی رهایی و اوجی است که از حصار محدودیت‌ها و مرزهای جغرافیایی می‌گیرد، و یک اندیشه و آیین زندگی به همان میزان می‌تواند از توانمندی و پیشروی بیشتری بهره‌مند گردد که بتواند در میدان حضور، با جامعه و مردم بیشتری ارتباط برقرار نماید و تبادل نظر کند. افزون بر آن، یک اندیشه و آیین درست و زندگی‌ساز، گرچه آسمانی و موقتی، اگر در اندیشه‌ی ارتباط با مردم جهان و رساندن زیبایی‌ها و توانایی‌های خود در گره‌گشایی و رشدبخشی به حرکت جامعه‌ها با زبان و قلم و اخلاق و رفتار سنجیده و پرجاذبه و بشردوستانه نکو شد، دور نیست که در همان خاستگاه خود نیز در برابر امواج دعوت‌ها و فرهنگ‌ها، دستخوش ضعف و افول تدریجی گردد؛ به‌همین دلیل است که اصل تبلیغ و پیام‌رسانی در زندگی معنوی و فرهنگی و اخلاقی پیامبران و در متن و شأن آیین و کار هر روان آگاه و خیرخواه و بشر دوست آن، ضرورت یافته تا همواره مشعل روشن‌گر راه سعادت در جامعه‌ها، جاودانه ماند و امکان انتخاب آزادانه برای روشن‌اندیشان و انتخابگران فراهم باشد.

درنگاه قرآن

این اصل زندگی ساز و فرهنگ پرور، اما در نگاه قرآن و منطق و منش پیامبران، به ویژه پیامبر و خاندان او، جایگاه بلند و پرشکوه دیگری دارد، چراکه آنان برخلاف برخی پندارهای کوتاه که نقش اساسی پیامبر و امامان را در مدیریت اجرایی یک شهر یا یک کشور و یا یک منطقه‌ی جغرافیایی و تاریخی و یا گستره‌ی جهان می‌پندارند، آنان کار اساسی و نقش سترگ خود را ایجاد ارتباط با بندگان خدا و «ابلاغ» و «تبلیغ» یا پیام‌رسانی و پیام‌آوری در جلوه‌ها و چهره‌ها و درخشش‌های گوناگون و در رستخیز جامعه‌ها و تمدن‌ها و راهیابی بر قلب و روح عصرها و نسل‌ها می‌نگریستند،^۱ و نه در پای‌بستی به فرماندهی ظاهری و دست و پاگیر، و در این راه بود که قرار و آرام نداشتند و آموزگارانه و طبیبانه و اصلاحگرانه و در چهره‌ی مربی و نویدبخش و هشداردهنده می‌دویدند،^۲ تا در پرتو آموزه‌ها و الگودهی‌ها و روش‌های مرفعی تربیتی خود، مدیرانی دادگر و مردمی دادگستر و روشن‌اندیش و آزادمنش و توانمند و رعایتگر حقوق و کرامت بشر بیوروند، و جامعه و جهانی اندیشور و انتخابگر و پاسخگو و آباد و آزاد بسازند، و در این راه تحول‌آفرین بود که پیامبر اعلام می‌کرد که:

«لَمَّا بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ إِلَى الْإِيمَنِ قَالَ: يَا عَلِيُّ! لَا تُقَاتِلْ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ إِلَى الْإِسْلَامِ، وَ أَمَّمَ اللَّهُ لَنِّي يَهْدِي اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَلَكَ وَلَئِنَّهُ»^۳

علی جان! تا زمانی که آموزه‌های دل‌انگیز دین خدا و پیام او را به روشنی و باورمندانه و قانع‌کننده به بندگان نرساندی، با کسی در مورد آن مبارزه مکن. سوگند به خدا که اگر خدای مهربان یک تن را به برکت منطق راهگشا و منش زیبای تو به راه نجات و رستگاری راه نماید، برای تو از آنچه خورشید بر آن می‌تابد، برتر است!!

و نیز با صدای رسا، آموزش و تربیت شایسته و مرفعی یک انسان و یک جامعه و

۱. آل‌عمران/آیه‌ی ۱۶۴.

۲. نهج‌البلاغه/خ ۱.

۳. محدث قمی/سفینه البحار/ج ۱/ص ۲۰۰؛ محمدباقر مجلسی/بحار/ج ۱۹/ص ۱۶۷.

جهان و ارشاد و راهنمایی آنها به سرچشمه‌ی شکوفایی و توسعه و رشد و اوج انسانی را بسان حیات بخشیدن به آن، و به بیراهه کشاندن و به انحطاط افکندن آن را همانند کشتار جمعی^۱ و قتل عام بشری می‌دیدند: «... مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»^۲

چراکه در پرتو همین هنر ایجاد ارتباط و فرصت‌سازی برای گفت و شنود و نشان دادن آیین مهروری و بشردوستی و سعادتمندخواهی برای همه‌ی بشریت و «تبلیغ» و پیام‌رسانی شایسته و مسئولانه است که پیامبران یا پیام‌رسانان پرمعنویت و بشردوست و خستگی‌ناپذیر بارگاه خدا می‌توانند این گام‌های بلند را در راه آموزش و تربیت و رشد و شکوفایی علمی و اخلاقی انسان بردارند:

۱. اصول و مبانی و مقررات و اخلاق مترقی دین خدا را به بندگان او برسانند؛
۲. امکان یابند تا برای مرزبانی از آن اصول و مبانی و مقررات و معیارهای اخلاقی و انسانی آیین خود بکوشند و خطر تحریف و به‌هم‌آمیختگی درست و نادرست و انحرافات و بدعت‌های ظالمانه را از سوی دوست و دشمن، از سر دین خود دور سازند؛

۳. در پرتو همین هنر تبلیغ و پیام‌رسانی است که ممکن است توفیق یابند تا برای جذب دیگران و پرشمار ساختن رهروان در قلمرو فکر و منش و آموزش و تربیت افراد به فرهنگ‌سازی ماندگار و سترگی دست زنند؛

۴. در پرتو همین هنر ابلاغ و «تبلیغ» است که می‌توانند به انواع شبهه‌ها و ایراد و اشکال‌های طبیعی و تخریبی در گذر تاریخ پاسخ دهند؛

۵. در پرتو همین هنر پیام‌رسانی و «تبلیغ» است که می‌توانند حضور قدرتمندانه‌ی آیین و منش مترقی خود را در جای جای گیتی و در صحنه‌ی جهانی تحقق بخشند و به اندازه‌ی توانایی و شایستگی خود برای همیشه تضمین کنند؛

۶. و در پرتو همین هنر پیام‌رسانی و «ابلاغ» است که می‌توانند برای دفاع از

ستمیدیده و استبدادزده و بیدادی که بر او با نام‌ها و آرم‌ها و عنوان‌های رنگارنگ می‌رود، فریادی پرطنین و خالصانه و دلسوزانه سر دهند و جهان را از ندای دادخواهی و لزوم دادگری و ضرورت دادگستری و آزادی و حقوق بشر پرصدا سازند و خردمندان و فرزندگان و روشنفکران و دلسوزان گیتی را به مبارزه‌ی پاینده و پوینده و به چاره‌اندیشی و چاره‌جویی مهربانانه تا نگارش اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و تلاش همواره و همه‌جانبه‌ی چهره‌ها و کانون‌ها و انجمن‌ها و گروه‌های پر شمار دفاع از حقوق و کرامت بشر، در برابر نقض‌کنندگان آن، و در راه جهانی‌سازی و تحقق و تضمین اصول و ارکان آن به تلاش و تکاپو وادارند.

و اینک این کتاب

و کتاب سودمندی که اینک در دست شماست، کتابی است روشنگر راه بهتر در این راستا؛ این کتاب اثر مفید خطیب توانمند و نکته‌پرداز، و پژوهشگر نکته‌سنج و پرتلاش، جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالحسین بابایی است، که عمری را در تبلیغ آموزه‌های دین گذرانده و با دانش و تجربه‌ی سازنده و ارزشمند خویش در این مورد، بحث لازم و مفیدی را در این بحث طرح کرده است که به برخی اشاره می‌شود:

۱. این کتاب و نویسنده‌ی دانشمند آن، در اندیشه‌ی ترسیم معنای واژه‌ی پراج «تبلیغ» و «ابلاغ» از نظر واژه‌شناسان و از دیدگاه قرآن شریف و حدیث محمد و آل محمد علیهم‌السلام است، تا در کنار این بحث قرآنی و روایی و مذهبی و مکتبی و تربیتی و اجتماعی و هنری و سیاسی...، این هشدار دلسوزانه به مردم برسد که واژه‌ی پراج «تبلیغ» نیز بسان بسیاری از واژه‌ها و مفاهیم پربار و پرمحتوای آسمانی و زمینی، در صحنه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و حتی مذهبی به سرنوشت دردناکی گرفتار آمده و در قالب و محتوا بسی مظلوم، و تحریف شده است! از این رو بر عالمان و مبلغان و دلسوزان است که به چاره‌اندیشی اساسی همت گمارند!

۲. و نیز این کتاب و مؤلف بزرگوار آن در اندیشه و در راستای ترسیم سیمای یک

مبلغ آگاه و دین‌شناس و آراسته‌ی به منش و اخلاق شایسته و رفتار انسانی و پرجاذبه است؛ خطیب و سخنور آگاه و توانمندی را مطلوب و محبوب دین و مردم معرفی می‌کند که دارای زبان نرم و قلب پرمهر و ادب در سخن و گفتار باشد، و مردم را بسان خود، دارای حقوق و کرامت انسانی بدانند، و جامعه، او را بر فراز منبر یا پشت تریبون و دیگر عرصه‌های زندگی، همواره عالم و سخنور و مبلغی شبیه به مبلغان راستین دین خدا، یعنی محمد و آل محمد علیهم‌السلام یا شاگردان راستین آنان بیابند و بنگرند و ببینند. پیام و سخن او را چنان بشنوند که بر اساس آگاهی و انصاف و آزادمنشی سخن می‌گوید، و نه جاهلانه و به نرخ روز و به بهای مسخ و جدان خود؛ بشنوند که برابر حق و عدالت، دآوری و اظهار نظر می‌کند، و هماهنگ با آیین دآوری و قضاوت و رعایت مقررات حکم می‌دهد، و دست و زبان و دل او را از دروغ و چاپلوسی و توجیه ستم و استبداد و ظالم‌پروری و مظلوم‌کشی و تهدید و عربده‌کشی و زورمداری و روش ضد‌دینی برخشی از سخنگویان و سخنوران و مداحان روزگاران، بسان مدّاح و منبری چاپلوس و دروغباف استبداد اموی - که امام سجّاد از او و منبر و گفتارش بیزاری جست - پاک و پاکیزه بنگرند.

۳. و جالب‌تر اینکه، این کتاب به قلم عالم بزرگوار و خطیب توانمندی نگارش یافته که فراتر از پنج دهه زندگی پربار تبلیغی از راه منبر و سخنرانی در کوله‌بار خود دارد، و خود خطیبی است نکته‌پرداز و توانمند که به گواهی دوستان، خطّه‌ی مازندران و به‌ویژه شهرستان بابل، با سخن و منبر و وعظ و خطابه‌ی جالب و قرآنی و روایی او آشناست.

و به همین جهت هم واحد خدمات کتاب، پیشنهاد مؤلف بزرگوار برای ویرایش و ساماندهی و کنترل نهایی آن را به عهده گرفت، و به لطف خدا آن را به انجام رساند، بدان امید که همگی از پاداش معنوی این گام تبلیغی و تربیتی بهره‌ور گردیم، **إِنْ شَاءَ اللَّهُ**.